

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: چرا مسلمانان به ایران حمله کردند؟

نگارنده: فرشاد زینلی

مجتمع دینی اهل سنت و جماعت بندر عباس، بهار ۹۷

چکیده:

"مسلمانان به ایران حمله کردند!"

این جمله نشان از یک حقیقت تاریخی وارونه است که اسلام‌ستیزان آنرا به خوردِ جوانان می‌دهند و سبب گمراهی بسیاری شده‌اند. غافل از اینکه شاهان ایرانی سبب لشکرکشی مسلمانان به ایران شدند. چرا که در ابتدا خسرو پرویز با پاره کردن نامه رهبر مسلمانان و رعایت نکردن اصول دیپلماسی، در پی تحقیر شمردن یک ملت برآمد، و باز به آن اکتفا نکرد بلکه به والی خود در یمن دستور داد که محمد رهبر مسلمانان را دستگیر کند. بعدها نیز بعدِ وفات رهبر مسلمانان، شاهان ایرانی فرصت را غنیمت شمردن تا با مداخله کردن در امور داخلی مسلمانان و حمایت از مرتدین سبب نابودی آنان شوند. مسلمانان نیز برای اینکه به مداخله ایرانیان پایان دهند با آنان وارد جنگ شدند.

کلیدواژه: مسلمانان، ایرانیان، مخالفین، نامه پیامبر، کسری، مرتدین، امور داخلی.

مقدمه:

مخالفین اسلام پیوسته سعی دارند با به کارگیری انواع نیرنگ‌ها و خُدعه‌ها چهره اسلام را برای جهانیان زشت جلوه داده و به زعم خویش مانع رسیدن نور هدایت به بشریت شوند و در این راه نیز از انجام هیچ کاریِ ایایی ندارند، گاهی معانی قرآن و گاهی تاریخ را وارونه جلوه می‌دهند تا باطل خویش را بر کرسی بنشانند. چنانچه که امروزه با به کارگیری انواع وسایل تبلیغاتی، اسلام را دینِ شمشیر معرفی، و این طور تاریخ را به خورد مردم می‌دهند که این مسلمانان بودند که به ایرانیان حمله کردند. بدین منظور در این مقاله اصول کلی اسلام در لشکرکشی را بیان، و توضیح خواهیم داد که چرا مسلمانان به ایران حمله کردند.

استراتژی اسلام در برخورد با مخالفین:

مخالفین اسلام پیوسته آیاتی را از قرآن قیچی می‌کنند یا معانی وارونه‌ای از آن نشان می‌دهند تا ثابت کنند که اسلام دین قتل و خونریزی است! برای مثال به آیاتی که مخالفین به آن استدلال می‌کنند توجه فرمایید: خداوند می‌فرماید: {و قاتلوهم حتی لا تکن فتنه و یکون الدین کله لله فان انتهوا فان الله بما یعملون بصیر} ^۱ [و با آنان پیکار کنید تا فتنه (شرک و سلب آزادی) باقی نماند، و دین خالصانه از آن خدا گردد، پس اگر دست برداشتند (از شرک و جنگیدن، خداوند آنان را می‌پذیرد) خداوند به آنچه انجام می‌دهند بیناست].

و نیز می‌فرماید: {و اقتلوهم حیث ثقتموهم و اخرجوهم من حیث اخرجوکم} ^۲ [و هر جا آنان را (که آغازکننده جنگ بودند) دریافتید ایشان را بکشید، و آنان که شما را از آنجا بیرون کردند بیرون سازید].

اما حقیقت چیز دیگری است! آیاتی که مخالفین به آن استدلال می‌کنند قیچی شده است، و به قبل و بعد آیات توجه ندارند و آیات دیگر را نیز مد نظر قرار نمی‌دهند! این در حالی است که در حالت عادی نه تنها اسلام دین جنگ و کشتار نیست، بلکه دست صلح و دوستی را به طرف مخالفین خود دراز می‌کند و به پیروان خویش نیز سفارش می‌کند که با مخالفین به نیکی رفتار کنند، خداوند در قرآن می‌فرماید: {لا ینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبروههم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین} ^۳ (خداوند شما

^۱ - انفال ۳۹

^۲ - بقره ۱۹۱

^۳ - ممتحنه ۸

را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در راه دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند، نهی نمی کند؛ چرا که خداوند عدالت پیشگان را دوست می دارد).

در آیه ۸ سوره مائده نیز خداوند به شدت مسلمانان را مورد عتاب و سرزنش قرار می - دهد که مبادا دشمنی با قومی سبب ایجاد روابط ناعادلانه با آنان شود { یا ایها الذین ءامنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط و لا یجرمنکم شنئان قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی و اتقوا الله ان الله خبیر بما تعملون } . (ای مومنان! بر ادای واجبات خداوند مواظبت داشته باشید و از روی عدالت گواهی دهید، و دشمنانگی قومی شما را برآن ندارد که (به ایشان) عدالت نکنید! عدالت کنید که عدالت به پرهیزگاری نزدیکتر است! و از (معصیت) خدا بپرهیزید که خداوند آگاه از هر آن چیزی است که انجام می دهید).

با توجه به آیات قرآن به خوبی در می یابیم نه تنها اسلام سفارش به نیکی و خوش رفتاری و روابط عادلانه با مخالفین خود می کند، بلکه علاوه بر همه این موارد دوباره مسلمانان را سفارش به این می کند که احترام به عقاید دیگران بگذارند و از دشنام دادن به خدایان و عقاید مخالفین دست بردارند، خداوند در قرآن می فرماید: { و لا تسبوا الذین یدعون من دون الله فیسبوا الله عدو بغير علم }^۴ [ای مومنان ! به معبودان) کسانی که غیر از خداوند را می - خوانند دشنام ندهید، مبادا آنها نیز از روی جهل، خداوند را دشنام دهند!].

^۴ - ۱۰۸ انعام

سوال: چه زمانی اسلام وارد جنگ با مخالفین خود می‌شود؟

به این مثال توجه فرمایید: اگر کسی بخواهد به خانه شما حمله کند! در مقابل شما از خودتان چه رفتاری نشان خواهید داد؟ آیا برای دشمنان دست می‌زنید و به او خوش‌آمد گویی می‌کنید! یا در مقابل از خود و خانه و ناموستان دفاع می‌کنید!

در قوانین اسلامی نیز چنین رفتاری حکم فرماست؛ زمانی که مخالفین وارد جنگ با اسلام، یا برای نابودی اسلام با یکدیگر هم‌پیمان می‌شوند تا مانع رسیدن دعوت اسلام گردند، در این حالت اسلام از خود دفاع می‌کند و درمقابل آنان می‌ایستد؛ خداوند می‌فرماید: { انما ینهاکم الله عن الذین قاتلوکم فی الدین و اخرجوکم من دیارکم و ظاہروا علی اخراجکم ان تولوهم و من یتولهم فاولئک هم الظالمون }^۵ (بلکه خداوند تنها شما را از دوستی و رابطه با کسانی نهی می‌کند که در امر دین با شما پیکار کردند و شما را از خانه‌هایتان بیرون راندند یا به بیرون راندن شما کمک کردند و هر کس با آنان رابطه دوستی داشته باشد ظالم و ستمگر است).

و نیز می‌فرماید: { و قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم و لا تعتدوا ان الله لا یحب المعتدین }^۶ (و در راه خداوند با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید! و تجاوز و تعدی نکنید!) جنگ افروزی نکنید و زنان و بچه‌ها و پیرها و... را نکشید) چرا که خداوند تجاوزگران را دوست نمی‌دارد).

^۵ -ممتحنه ۹

^۶ -بقره ۹۰

اما باز جوانمردی اسلام در برخورد با مخالفین خود جای شگفتی دارد! که اسلام قبل از آغاز جنگ دوباره به مخالفین خود هشدار می‌دهد، خداوند می‌فرماید: { قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَنْتَهُوا يَغْفِرَ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ وَ إِنْ يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّتُ الْأَوَّلِينَ }^۷ (به آنها که کافر شدند بگو: چنانچه از مخالفت باز ایستند، گذشته آنان بخشوده خواهد شد؛ و اگر به اعمال سابق (کفر و جنگیدن) برگردند، سنت خداوند درباره پیشینیان از مد نظر گذشته است (یعنی حکم نابودی آنان صادر می‌گردد).

اگر به آیه توجه کنیم امروز این قانون اسلام نیز در قوانین بین المللی جا دارد، که جنگیدن بدون هشدار قبلی جایز نیست. بعد از اینکه اسلام از این مرحله عبور کرده، و مخالفین را هشدار داد، و دعوت به اسلام را اعلام کرد، اگر نپذیرفتند وارد جنگ با آنان می‌شود، خداوند می‌فرماید: { وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنَّ الْأَنْتَهُوَ فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ }^۸ [و با آنان پیکار کنید تا فتنه (شرک و سلب آزادی) باقی نماند، و دین خالصانه از آن خدا گردد، پس اگر دست برداشتند (از شرک و جنگیدن، خداوند آنان را می-پذیرد) خداوند به آنچه انجام می‌دهند بیناست].

و نیز می‌فرماید: { وَ اقْتُلُوهُمْ حَتَّى ثَقُفْتُمُوهُمْ وَ اخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ اخْرَجُواكُمْ }^۹ [و هر جا آنان را (که آغازکننده جنگ بودند) دریافتید ایشان را بکشید، و آنان که شما را از آنجا بیرون کردند بیرون سازید].

^۷ - انفال ۳۸

^۸ - انفال ۳۹

^۹ - بقره ۱۹۱

این آیات شالوده و اساسِ استراتژیِ نظامی اسلام در نحوه برخورد با مخالفین را بازگو می‌کند که رسول الله صلی الله علیه و سلم و اصحاب ایشان نیز آن را به مرحله اجرا درآوردند، و تاریخ نیز بر این ادعا ما شاهد و گواه است که هیچ وقت مسلمانان عهد نخستین آغاز گر جنگ نبوده‌اند. اگر مخالفین نیز این پرده جهل و تعصب را از جلوی دیدگان خود کنار زنند و با دیدی باز به آیات قرآن نگاه کنند، به درستی خواهند فهمید اسلام دین صلح و آشتی است و با کسی سر جنگ و کشتار ندارد.

سوال: چرا مسلمانان به ایران حمله کردند؟

امروز ملی گرایان ایرانی با اشک تمساح ریختن و با وارونه نشان دادن تاریخ به خورد ایرانیان داده اند که مسلمانان به ایرانیان حمله کردند! این ادعا درحالی است که اگر کسی مقداری عقل و منطق درس داشته باشد به درستی خواهد فهمید که منشا فتنه، شاهان ایرانی بودند نه مسلمانان! دراین قسمت به این می‌پردازیم که چه عواملی سبب شد تا مسلمانان به ایران حمله کنند؟

ابتدای این تنش‌ها و اختلافات بین مسلمانان و ایرانیان از آنجا شروع شد که محمد صلی الله علیه و سلم رهبر مسلمانان درسال ششم هجری نامه‌ای برای خسروپرویز شاه ایران می‌فرستد و او را دعوت به اسلام می‌دهد؛ مضمون این نامه را طبری درکتاب تاریخش (۶۵۴/۲، ۶۵۵) این چنین آورده است: (بسم الله الرحمن الرحيم از محمد پیامبر خدا به خسرو، بزرگ پارسیان، درود بر آنکه پیرو هدایت شود و به خدا و پیامبرش ایمان آورد و شهادت دهد که معبود به حق جز خدای یگانه نیست و شریکی ندارد و محمد بنده و فرستاده اوست. تو را

به سوی خداوند دعوت می‌دهم، من پیامبر خداوند به سوی همه کسانی هستم، تا همه زندگان را بیم دهیم، تا بر کافران اتمام حجت شود، اسلام بیار تا سالم بمانی و اگر دریغ کنی گناه مجوسیان بر گردن توست).

همان طور که مشاهده می‌کنید نامه محمد صلی الله علیه و سلم رهبر مسلمانان فقط یک دعوت و پیشنهاد است نه دعوت به جنگ! اما در مقابل شاه ایران خسرو پرویز، اصول دیپلماسی را رعایت نمی‌کند و با بی‌ادبی تمام نامه محمد صلی الله علیه و سلم رهبر مسلمانان را پاره می‌کند و با غرور و تکبر می‌گوید: (به من نامه می‌نویسد در حالی که برده و بنده من است!).

این عکس العمل نابخردانه خسرو پرویز اولین جرعه حقد و کینه از شاهان ایرانی را در قلب مسلمانان می‌کارد؛ اما خسرو پرویز شاه ایران که مغرور قدرت و ارتش خود است از اشتباه خود دست بردار نیست، و در ادامه تحقیر و توهین به رهبر مسلمانان، به یکی از والیان خود (بازان) در یمن نامه می‌نویسد که دو نفر را برای دستگیری محمد بفرستد تا او را دستگیر کنند و نزد من بیاورند. (تاریخ طبری ۲/۶۵۴، ۶۵۵)

دومین عامل اصلی‌ای که حمله مسلمانان را به ایران قطعی کرد، بعد از وفات پیامبر اسلام در زمان خلافت ابوبکر است، که شاهان ایرانی در امور داخلی مسلمانان دخالت می‌کردند و با حمایت از مرتدین، درصدد بر اندازی خلافت اسلامی شدند، برای مثال قبیله بکر بن وائل با وفات پیامبر اسلام مرتد شدند و به زعم خویش برای رسیدن به حکومت بحرین به کسری پیوستند؛ شاهان ایرانی این فرصت را برای رسیدن به اهدافشان مناسب دیدند، به همین دلیل پیشنهاد قبیله بکر بن وائل را پذیرفتند، و منذر بن نعمان را با هفت هزار سوارکار و پیاده نظام

با قبیله بنی بکر همراه ساختند و یک صد دسته از سواران را در اختیارشان گذاشتند (الاكتفاء بما تضمنه من مغازی رسول الله و الثلاثة الخلفاء، لابی ربیع سلیمان الکلاعی الاندلسی، بیروت، الطبعة الاولى ۱۴۱۷ هجری، ۳/۳۱۸، ۳۱۹).

همچنین ایرانیان برای نابودی خلافت اسلامی از مرتدینی مانند مسیلمه کذاب و سجاح حمایت کردند و سبب شدند که آتش فتنه در بلاد اعراب مسلمان گسترش یابد (حركة الردة، علی العتوم، مکتبه الرساله الحدیثه، عمان، الطبعة الثانية، ۱۹۹۷م، ص ۱۴۶ - الاسلام والحركات المضادة، للدكتور الخربوطلی ص ۱۴۶).

اما بعد از اینکه مسلمانان از حل امور داخلی و جنگ با مرتدین برآمدند، درصدد براندازی عوامل و حامیان اصلی فتنه شدند، و این بار دیگر اعراب مسلمان دست بردار از جنگ نبودند و تا قطع ریشه فتنه که شاهان ایرانی و رومی بودند پیش رفتند.

ناگفته نماند ظلم و بی عدالتی شاهان ایرانی نسبت به مردمان ایران زمین، خود به خود در فتح سریع ایران بی تاثیر نبوده است چرا که وقتی مردم ایران زمین، سادگی و صداقت اعراب مسلمان را دیدند با روی باز به اسلام گرویدند و خدمت های فراوانی نیز به جهان اسلام کردند، مثلاً در جنگ قادسیه که مهمترین و سرنوشت سازترین جنگ میان مسلمانان و ایرانیان بود، چهار هزار سرباز از گارد سلطنتی ایران به سپاه مسلمانان ملحق شدند و مسلمانان را در فتح شوشتر و دعوت ایرانیان به اسلام یاری رساندند (فتوح البلدان بلاذری، ۱/ ۲۷۵؛ همچنین نگاه شود به ترجمه فتوح البلدان بلاذری، ترجمه دکتر آذرتاش آذرنوش، ص ۳۵ و ۴۱).

نتیجه گیری:

اسلام دین صلح و آشتی است و با زور شمشیر پیشرفت نکرده است. اسلام قبل از فتح شهرها، قلبها را فتح کرده است. چیزی که امروزه ملی گرایان ادعا می کنند که نیاکان ما به زور شمشیر مسلمان شدند، چیزی نیست جز توهین به پدران و نیاکان ما! گویا آنان از اینکه پدران و نیاکان ما را انسان های ترسو و بزدل و نادان معرفی کنند، لذت می برند! مگر تاریخ را ورق زده اند تا ببینند که در طول تاریخ هرگز ایرانیان زیر بار زور و شمشیر نرفته اند! پس چرا زمانی که اسکندر مقدونی و تاتارها به ایران حمله کردند و رودخانه ای از خون راه انداختند، نیاکان ما تابع فکر و اندیشه آنان نشدند؟

چه چیزی عاید شما می شود که دوست دارید پدران و نیاکان ایران زمین را انسان هایی معرفی کنید که از ترس شمشیر مسلمان شده اند؟

باستان پرستان ایرانی لطفا جواب دهند!

چگونه ایرانیان به زور مسلمان شدند در حالی که همین ایرانیان بزرگترین خدمات ها را به جهان اسلام کردند؟!

فهرست منابع:

١- قرآن

٢- تاريخ طبرى

٣- فتوح البلدان ، احمد بن جابر بن داود البلاذرى، دار و مكتبه الهلال، بيروت، ١٩٨٨م.

٤- الاكتفاء بما تضمنه من مغازى رسول الله و الثلاثة الخلفاء، لابي ربيع سليمان الكلاعى

الاندلسى، بيروت، الطبعة الاولى ١٤١٧ هجرى.

٥- حركة الردة، على العتوم، مكتبه الرساله الحديثه، عمان، الطبعة الثانيه، ١٩٩٧م.

٦- الاسلام والحركات المضاده، للدكتور الخربوطلى.